گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۷۰۶۵
چهارشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۱ ۸:۴۸

یادداشتی از مهرداد صدرنفیسی

نقدی بر فیلم کوتاه مرگ یک زندگی

مرگ یک زندگی؛ اثری است کاملا عقیم در انتقال مفهوم. فیلمی که در ساخت ایده و پرداخت به آن بسیار عقیم مانده و در هیچ پلان و سکانسی نتوانست آنچه که شاید در ذهن داشته را پردازش کند.

به گزارش خبر، مهرداد صدر نفیسی در یادداشت ارسالی با موضوع "نقدی بر فیلم کوتاه مرگ یک زندگی" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛
دیروز همراه با جمعی از دوستان در حاشیه روز دوم هفته فیلم و عکس شیراز، در سینما فرهنگ به همت انجمن سینمای جوان شیراز به تماشای فیلم کوتاه مرگ یک زندگی نشستیم.
فیلم با سکانسی هیجانی و ماجراجویانه آغاز می شود. سکانسی که مخاطب گویی انتظار سرقتی مسلحانه از بانک را دارد. حرکت عجولانه دوربین و پرداخت بازیگر به نقش کوچکش در این سکانس نشان از عدم تمرکز کارگردان بر بازی بازیگر و به صورت کلی تر بر کل اثر را دارد.
پس از این سکانس است که مخاطب کاملا در می یابد کاراکتر قصه، با هنرمندي محمد پوریا باقری، در ایفای نقش خود ناکام است. او هر چه تلاش می کند با پرداخت به موضوع سرگرم شدن مفرط به فضای مجازی، قصه ی فیلم را به واقعیت بدل کند، اما بی تجربگی را سرلوحه قرار می دهد.
فیلم برای هیچ کدام از سکانس ها و پلان ها برنامه ی دقیقی نداشته و با این اشتباهات فاحش قصه ی کلیشه ای فیلم را بیش از پیش کلیشه ای روایت می کند.
یکی از پلان هایی که کاملا بی دلیل در فیلم جای گرفته است، پلان قرار گرفتن دوربین در یخچال هست. چرا که با نمایش این پلان هیچ اطلاعات بیشتری در اختیار مخاطب قرار نمی گیرد. یکی دیگر از سکانس های فیلم که کارگردان به بدترین شکل ممکن به آن می پردازد، سکانس مربوط به پارک است. چرا که عده ای کاملا خودآگاه در جایی قرار گرفته اند، که از قضا کاراکتر نابازیگر قصه در آنجا نشسته است.
این افراد مشغول بازی ای نامعلوم با توپ هستند و یکی از آنان به صورتی کاملا تعمدی و در عین حال ناشیانه توپ را به طرف هنرمند خوش آتیه پرتاب می کند. در واقع کارگردان به زعم خویش، سودای نمایش حواس پرتیِ فرد وابسته به موبایل را داشته است.
در آخر باید نوشت، ای کاش کارگردان و نویسنده فیلم از افراد باتجربه در ساخت اثر خود یاری می گرفتند، تا بلکه اثری در خور پرده ی نقره ای پدید آورند.